

## اصطلاح اغلاط طبع لغت الباری

صفحہ	سطر	خطا	صواب	صفحہ	سطر	خطا	صواب
۳	۱۴	دروید	ایک دروید	۲۶	۱۱	بیشس	بیشس
۵	۱۹	ابن نشا	برجین بکلیب منافع ابن نشا	۲۷	۱۹	یافت	یافت
۷	۲۱	مئی درزو	مئی درزو	۲۹	۱۴	بنی و	بنی بود
۹	۶	عشیر	عشیرش	۳۶	۶	ہستی	اللہ
۱۱	۲۱	اندازاند	اندازند	۳۸	۳۰	نشائے	نشائی
۱۳	۳	خوش	توشہ	۴۰	۷	ند درد	ندرد
۱۵	۷	توشہ	خوش	۴۱	۲۱	سایہ	سایہ
۱۷	۱۴	ور روشن	وروشن	۴۰	۲۰	بینام	بینامیم
۱۸	۱	ازدہانش	ازدہانش	۴۷	۶	زلت تقریر	زلت توقیر
۱۹	۷	بابوسے	بانوسے	۵۳	۱۱	یضیی	تضیی
۲۰	۱۵	گروہ ہا	گروہ ہا	۵۶	۱۵	کہ پیداست	کہ پیناست
۲۱	۱۰	گرام کار	گرام کار	۶۰	۸	بچشم	بچشم
۲۲	۱۵	گروہ ہا	گروہ ہا	۶۱	۱۷	زند	زند
۲۳	۱۹	شناسا	شناسائی	۶۳	۱۴	نمود	نمود
۲۴	۲	یکتای حسن	گوہر یکتای سخن	۶۴	۱۴	مخواد	مخواد
۲۵	۲	آزادگان	آزادگان	۶۵	۲۱	اظہار	اظہار



صواب	خطا	سطر	صفحه	صواب	خطا	سطر	صفحه
روض	روض	۱۴	۱۳۵	بیت	بیت	۱۴	۱۳۸
قراضه	قراضه	۵	۱۳۶	عیش	پیش	۱۸	۱۳۹
تابوده	تابود	۱۰	۱۳۷	وقف و	وقف	۱۲	۱۴۰
زین	این	۱۶	۱۳۸	نیز	سر	۱۰	۱۴۱
سے	سے	۶	۱۳۹	نفسے	نفسے	۱۲	۱۴۲
آز	از	۱۴	۱۴۰	بہر	بری شہ	۲۰	۱۴۳
بیت	ست	۱۸	۱۴۱	بیں	پس	۱	۱۴۴
انگشتریت	انگشتریت	۲۱	۱۴۲	تو او کن از	تو او کن از	۱۵	۱۴۵
سیر آمدہ	سر آمدہ	۱۹	۱۴۳	زہدم	برجہ ہرم	۲۰	۱۴۶
توام	تو	۹	۱۴۴	وان ہم	انچہ ویری	۲۰	۱۴۷
ننگ	نیک	۶	۱۴۵	روی وریا	روی زنا	۱۶	۱۴۸
نذہب و	نذہب	۱۶	۱۴۶	جسم	چشم	۱۰	۱۴۹
نیک بد	نیک بد	۶	۱۴۷	آیہ	آد	۱۶	۱۵۰
کز	از	۲	۱۴۸	تا	تا	۲۱	۱۵۱
تقت	قوت	۶	۱۴۹	شمر	شمر	۲	۱۵۲
کز	گر	۱۸	۱۵۰	کو	کو	۶	۱۵۳
آنجا کہ	آنجا	۹	۱۵۱	تا	تا	۱۳	۱۵۴
بس	پس	۱۳	۱۵۲	ان تا	ان	۶	۱۵۵
وز	در	۱۹	۱۵۳	ستر	شتر	۹	۱۵۶
وز	در	۲۰	۱۵۴	وہر	حور	۱۲	۱۵۷

صفحه	سطر	خطا	صواب	صفحه	سطر	خطا	صواب
۱۵۰	۲	آنام	ایام	۱۶۵	۷	بی	بی
۷	۱۳	گبگله	گبگله	۷	۷	بی	بی
۷	۱۴	با	+	۱۴۹	۳	زیبای	زیبائی
۱۵۱	۶	چون حاکم	چون سالی	۷	۷	منم	است
۷	۱۵	هزار	صد هزار	۱۴۷	۱۴	ترقی	ترقی
۱۵۳	۱۰	پس	پس	۱۴۹	۱۶	سینه	سینه
۱۵۴	۲	کعبه	وکعبه	۱۴۹	۲۱	باو	باو
۷	۱۷	بهر که دوست	بهر که دوستی	۱۷۰	۱۵	یر	دار
۷	۱۸	پیر زال نیا	زال دنیا	۱۷۱	۶	یا پستی	دنیایان است
۷	۱۹	عمر	عشق	۱۷۲	۳	عظ	لوظ
۱۵۵	۲	سیل پتیر سیل	سیل پستی	۱۷۳	۹	دور	دور
۷	۴	برق	برق و	۱۷۵	۱۰	برگرد	گرد
۷	۷	و بها	بها	۱۸۰	۱۳	مرو	برو
۱۵۹	۷	گشت	گشت	۱۹۱	۱۵	نموش باو	خمش باو
۱۶۰	۱۶	رفته	رفت	۷	۲۱	نیم	شمیم
۱۶۱	۱۷	از	زر	۱۹۳	۱۱	بی	بنی
۱۶۲	۴	دود	درو	۱۹۵	۱۰	با	یا
۱۶۴	۳	دل	کدول	۷	۱۱	ممو	مامو
۷	۱۱	کنده	بگناه	۱۹۹	۱۹	صبح	صبح
۷	۱۴	وجود	وجود	۷	۷	خاص	خاص

صواب	خطا	صفر	صفر	صواب	خطا	صفر	صفر
گلشن	گلشن	۱۶	۲۲۲	زنده	زنده	۲	۱۸۹
شعبان	شعبان	۱۹	۲۲۶	زارکار	زارکار	۱۷	۱۹۰
نشانی	نشانی	۱۷	۲۳۰	جوس	جو	۱۲	۱۹۳
بار	بار	۱۵	۲۳۲	گایکه	گرایکه	۱۷	۱۹۴
که پیداست	که پیداست	۳	۲۳۳	رز	رز	۷	۱۹۵
نخار	نخار	۹	۲۳۷	ساز	سازم	۱۴	۱۹۷
گشته بار	گشته بار	۲	۲۳۹	هستی	نیتنی	۱۰	۱۹۹
بر	بر	۱۱	۲۴۰	مبته و	مبته	۱۱	۲۰۰
فدی	فدی	۹	۲۴۲	نو	تو	۱۲	۲۰۱
نمود	نموده	۲	۲۵۲	بازمچو	بچو	۱۰	۲۰۲
رنج	رنجی	۱۰	۲۵۳	غایت	غارت	۷	۲۰۳
چیز	چیز	۳	۲۵۹	بشده	شده	۵	۲۰۴
اوساخته	وساخته	۱۶	۲۶۰	سواراند	سواران	۷	۲۰۵
جور	وجور	۱۰	۲۶۷	بدیگر	بدی	۱۵	۲۰۷
برابست	رابست	۱۹	۲۶۸	عاقل	غافل	۱۲	۲۱۱
ریخته شد	ریخته	۶	۲۷۱	سلم از عاف	سلم	۱۰	۲۱۶
گذاشت	گذاشت	۷	۲۷۲	کز	که	۳	۲۱۸
سور	شور	۱	۲۷۳	تیب	مرتبه	۷	۲۱۹
مصع	مصع	۹	۲۷۵	گیر	گیرد	۶	۲۲۳
اوج	جاه	۵	۲۷۸	نگرد خود خجلم	نگرد خود خجلم	۲۰	۲۲۴



رنگتارنش حال تکلمه همان سخن رس شادمان که بلال شب عید است، درین سال فرخ  
 فال که از جود و نوال قدیو مصر اقبال ملکه کشور جایه و بلال قدر افرای ارباب کمال  
 نواب شایه جان یکیم صاحب زبیده و نصال لمیده عامره بهو پال غیرت صفا و شیراز  
 و روشش قاهره و اهورا زست غامه یوسفی هنگامه برداشت و نواکین تذکره اشعار  
 بزنگاشت سترامه روشن سواد لبان سر و آرا و بر مصره جریسته اشش  
 و بر دیوان و هر فقره نورسته اش همسر نواب ایجان سواد دستورش چون  
 سواد دیده ری رخا از سر نه صفا نانی کجیل و پر نور و بیاض بین حرفشش همچو  
 چهره آه و نشان بی عدیل همزنگ تخته بلور

روز روشش تذکره نهشت یکیم چون  
 ز غمنا فرخ روش از آسمان بیفتن +  
 حسن ایل سخن بیسنی صبا خوش بیان  
 سال ایفش نداشت اعتبار شاعران

نقش تقریب که بار و کار نگارش نثره نثار از آثار جناب برادر صاحب سرایه افکار  
 عالی و دومان و الا تبار گلهامی فصاحت را هزار گزار بلاغت را آبیاری الاخ الحمید  
 مولوی محمد امجدی تخلص شهرت شهره شهر و دیار و دار العلم کوپا نور افرا و فقط الله عن  
 طوارق لیل و نهار

حبا آفرین صبح گلش جانفرا می سخن را نیایش که غنچه آفتاب عالم کتاب روز روشش  
 بسیم طبع هنر و پران شکفتانیده و خدای بخشش شمع انجمن فکرم گستر می را تالیش که بیعت  
 روشنان معنایین دکاشا فضامی افکار نکته رسان نگارستان سخن گردانیده چار دیوار  
 کار از اشجیح پختنا نه گدشته خوش مسه جواب بیانس سحر ساخته و شمع دل افروز فرست از  
 مغز نازک دامغان خوش فکر موم که اخته و نیز عظم آسمان رسالت را معلومه که در شمس است  
 از شترستان حلال ادو پدر کمال سپهر است را تحیات که در بعضی تالی است از مطلع کمال او  
 چار برنگه وجود یارنش نصارت افرای گلستان ارشاد و شکوفه های صبا گلهامی